

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: مناف فلکی فر

۱۵ نومبر ۲۰۱۶

"خانه کارگر" و فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری

معاون روابط بین‌المللی "خانه کارگر" جمهوری اسلامی خبر داد که فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری (WFTU)، علیرضا محبوب از مسؤولین "خانه کارگر" و نماینده مجلس شورای اسلامی را به عنوان نایب رئیس این فدراسیون جهانی انتخاب کرده است. دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی و خانه ضدکارگری اش می‌کوشند این امر را به حساب موفقیت کارگران ایران گذاشته و آن را یکی از پیروزی‌های طبقه کارگر ایران جا بزنند. در حالی که نه محبوب نماینده کارگران ایران بوده و می‌باشد و نه "خانه کارگر" تشکلی مستقل و مدافع منافع کارگران می‌باشد. واقعیت این است که خانه کارگر یک تشکل دولتی و اسلامی است که بر بستر سرکوب وحشیانه تشکل‌های کارگری مستقل که پس از قیام بهمن [دلو] شکل گرفته بودند، توسط طبقه حاکم شکل گرفت. کارگران ما به عینه دیده اند که این تشکل ضدکارگری از اولین روز به وجود آمدنش وظیفه‌ای جز کنترل و سرکوب مبارزات کارگران نداشته است. در نتیجه، انتخاب یکی از گردانندگان رسوای تشکل ضدکارگری و دولتی موسوم به "خانه کارگر" توسط فدراسیون مزبور فاقد هر گونه ارزشی برای طبقه کارگر تحت ستم و محروم می‌باشد.

از طرف دیگر انتخاب دبیرکل یک نهاد ضدکارگری در جمهوری اسلامی به عنوان نایب رئیس "فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری (WFTU)" ماهیت این تشکل جهانی که تحت نام کارگر فعالیت می‌کند را نیز برملا می‌سازد. این فدراسیون در شرایطی که در کشور ایران زیر سلطه جمهوری اسلامی یک اتحادیه کارگری واقعی و مستقل از دولت و قادر به نمایندگی از منافع کارگران وجود ندارد و هر گونه تلاش کارگران مبارز برای ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری با تعقیب و پیگرد و زندانی و شکنجه شدن کارگران مواجه می‌گردد، یکی از مسؤولین "خانه کارگر" که مسئولیت اصلی اش سرکوب کارگران ایران می‌باشد را به معاونت خود برگزیده است. همین واقعیت نشان می‌دهد که این فدراسیون نه فقط به شرایط طبقه کارگر ایران بی‌اعتناء می‌باشد بلکه بر بستر سیاست‌های سازشکارانه و ساختار غیرکارگری خود از یک طرف، و دست و دل بازی رژیم جمهوری اسلامی در صرف پول برای جلب توجه چنین نهادهایی که به واقع نهادهای بورژوازی هستند از طرف دیگر، این امکان را به رژیم جمهوری اسلامی، این رژیم تا مغز استخوان کارگرسنتیز داده است تا یکی از نهادهای ایدئولوژیک و اسلامی که در واقع بخشی از ماشین سرکوب رژیم در محیط‌های کارگری می‌باشد را به جای تشکل کارگری جا زده و علیرضا محبوب، یکی از مسؤولین ضد کارگر "خانه کارگر" را به نایب رئیسی این فدراسیون برساند.

فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری در شرایطی به پذیرش رسوای نمایندگان کارگر نما و فریبکار جمهوری اسلامی با عنوان "نمایندگان" کارگران ایران در نهاد خود تن می دهد که نگاهی گذرا به اساسنامه "خانه کارگر" و شوراهای اسلامی کار جمهوری اسلامی به روشنی نشان می دهد که در شرایطی که کارگران ایران با اعتقادات گوناگون و با باور به ادیان مختلف و یا عدم اعتقاد به هر دین و مذهبی در زیر سقف کارخانه در کنار هم مشغول کار بوده و استثمار می شوند و به همین اعتبار دارای سرنوشت و منافع مشترکی می باشند، چنین نهادهای رژیم ساخته نمی توانند تشکل صنفی کارگران ایران باشند. "خانه کارگر" در مرامنامه اش خود را چنین تعریف کرده است: "به منظور نیل به اهداف والای اسلام ناب محمدی، خانه کارگر به عنوان یک تشکیلات معتقد به ولایت فقیه و ملتزم به قانون اساسی" تشکیل شده است. همچنین می دانیم که بر اساس قانون شوراهای اسلامی کار، تنها کسانی می توانند عضو این شوراها شوند که "الترام عملی به اسلام، ولایت فقیه و وفاداری به قانون اساسی" را در عمل پذیرفته و ثابت کرده باشند. همین واقعیات نشان می دهند که با توجه به این که بی شک همه کارگران معتقد به "اسلام ناب محمدی" و ملتزم به "ولایت فقیه" نمی باشند این تشکل ها نمی توانند تشکل صنفی مستقل کارگران ایران باشند.

از سوی دیگر هر کارگر آگاهی می داند که بر اساس مواد ۳ و ۴ مقاله نامه ۸۷ سازمان بین المللی کار "مقامات دولتی باید از هرگونه مداخله ای که منجر به محدودیت حق کارگران در تدوین آذانه اساسنامه و آئین نامه های تشکل مستقل شان شود، خودداری نمایند. اما فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری نمی خواهد به روی خود بیاورد که چه خانه کارگر و چه شوراهای اسلامی کار در ایران کاملا زیر نظر دولت بوده و التزام شان به "ولایت فقیه" یعنی رأس دیکتاتوری رژیم حاکم را به طور رسمی اعلام کرده اند؛ و از این رو به هیچ وسیله ای نمی توان خانه کارگر و شوراهای اسلامی را نهادهای صنفی مستقل کارگری و یا اتحادیه کارگری تلقی نمود. بنابراین "فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری (WFTU)" در مقابل این پرسش قرار دارد که بر چه مبنائی تشکل های رژیم ساخته را تشکل های کارگری خوانده و یکی از مهره های سرکوب گر جمهوری اسلامی را نماینده کارگران ایران قلمداد نموده است؟ یافتن پاسخ به سؤال فوق چندان مشکل نیست و می توان دید که در دوره پسابرجام و بهبود روابط با غرب و در شرایط نشانه های تشدید هجوم سرمایه های امپریالیستی به ایران، فدراسیون جهانی با پذیرش یکی از عناصر حکومتی و ضدکارگری جمهوری اسلامی، آن هم به عنوان "نایب رئیس"، آگاهانه می کوشد تا چهره رژیم جمهوری اسلامی و ارگان های ضدکارگری اش را در انظار عمومی بزرک نموده و این گونه جلوه دهد که در ایران تحت سلطه رژیم کارگرسنیز و ضدخلفی جمهوری اسلامی، تشکل های مستقل کارگری وجود دارند؟

جالب است به این نکته هم توجه شود که هر چه نهادهای رژیم ساخته در محیط های کارگری در میان کارگران ایران رسواتر و منزوی تر می شوند، پشتیبانان خارجی رژیم بنا بر منافع استثمارگرانه خویش، این نهادهای رسوا را بیشتر پر و بال می دهند. تنها نگاهی به مبارزات و اعتراضات کارگران در سال های اخیر نشان می دهد که چگونه در برخی از کارگاه ها کارگران رسما خواهان انحلال شوراهای اسلامی کارگری شده اند. همان شوراهائی که از طرف جمهوری اسلامی به جای تشکل های کارگری جا زده می شوند و بالطبع "فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری (WFTU)" نیز با تکیه بر آن ها با هیئت دولتی جمهوری اسلامی به مثابه نمایندگان کارگران ایران برخورد کرده است.

حتی نگاهی گذرا به برخی اخبار و گزارشات کارگری در تأیید واقعیت فوق قرار دارد. از جمله به گزارش خیرگزاری هرانا در ۱۷ دی ماه سال گذشته حدود ۶۰ نفر از رانندگان شرکت واحد ضمن شکایت از عملکرد شوراهای اسلامی کار در این شرکت، خواهان انحلال این شورای اسلامی شدند. یا کارگران کارخانه "فولاد و چدن" درود در ۷ مهر ماه و در یازدهمین روز اعتراض صنفی خود خواهان انحلال شورای اسلامی و برگزاری دوباره انتخابات جهت تشکیل

نهاد صنفی شدند. یا فراموش نکرده ایم که ۴۰۰ نفر از کارگران بازنشسته کارخانه صنایع مخابرات راه دور شیراز وقتی که در ۱۰ خرداد ماه در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان در مقابل در کارخانه چادر زدند، یکی از دلایل این اعتراض را عدم پیگیری خواست های شان از سوی نمایندگان کانون هم‌هنگی شوراهای اسلامی کار استان فارس اعلام نموده و به این وسیله نارضایتی خود را از این شوراهای اسلامی نشان دادند. همه این فاکت ها نشان می دهند که کارگران ما شوراهای اسلامی و خانه کارگر را به هیچ وجه نهادهای کارگری تلقی نکرده و آن ها را ابزار نفوذ جمهوری اسلامی در محیط های کارگری می دانند. بنابراین انتخاب یکی از مسئولین چنین نهادهائی به عنوان نماینده کارگر ایرانی در فدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری تنها به معنی نادیده گرفتن خواست ها و تمایلات واقعی طبقه کارگر ایران از طرف این نهاد بین المللی بوده و جلوه آشکاری از بده بستانی است که جمهوری دار و شکنجه با چنین نهادهائی به راه انداخته است.

واقعیت این است که صفوف طبقه کارگر ایران در طول ۳۸ سال حاکمیت جمهوری اسلامی به زور سرنیزه مزدوران جمهوری اسلامی و ارگان های سرکوبش و از جمله خانه کارگری ها در پراکندگی کامل قرار گرفته و اتفاقاً بی تشکیلی و فقدان سازمان یکی از خودویژگی های موقعیت سیاسی طبقه کارگر ایران را تشکیل می دهد. از طرف دیگر نهادهائی نظیر خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار هر روز بیش از پیش به مانع و در نتیجه آماج مبارزات کارگران ایران بدل می گردند. مسلم است که با توجه به چنین واقعیتی انتصاب علیرضا محجوب که یکی از مسئولین اصلی "خانه کارگر" می باشد به عنوان نایب رئیس فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری موجب فریب کارگران مبارز ما که کمترین اعتمادی به خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار ندارند، نمی شود. بلکه برعکس، این امر ماهیت چنین نهاد بین المللی را افشا کرده و بی اعتباری هر چه بیشتر آن در انظار صدها هزار تن از کارگران محروم ایران و همچنین کارگران آگاه و مترقی دنیا را فراهم خواهد کرد.

به نقل از : ماهنامه کارگری ، ارگان کارگری چریکهای فدائی خلق ایران
شماره ۳۴ ، پانزدهم آبان ماه [عقرب] ۱۳۹۵